



بررسی چالش ها و ارائه راه کارهای موثر برای مشارکت مردمی در توسعه پایدار شهری

محمد دلبری^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی پردیس فارابی دانشگاه تهران

v.c.pwut@gmail.com

چکیده

مشارکت به معنای همکاری داوطلبانه از سوی مردم در برنامه های عمومی است که شرایط توسعه در تمامی ابعاد را فراهم می کند. افرادی که در محدوده برنامه ریزی طرح های شهری زندگی می کنند از بیشترین دانش در زمینه منطقه و امور مربوط به آن برخوردارند. این افراد بیش از سایرین تحت تاثیر تصمیمات قرار داشته و بدین ترتیب بیش از دیگران در معرض خطرات ناشی از تصمیم گیری های نادرست مدیران، برنامه ریزان و طراحان شهری قرار دارند و بنابراین باید در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی های مرتبط با شهر نقش داشته باشند. مدیران می توانند از حضور این افراد بسته به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها، در سطوح مختلف مشارکت شهروندی بهره مند شوند. در این مقاله برآنیم تا با بررسی برخی راهکارهای ممکن جذب مشارکت عمومی، نحوه ارتباط آن را با توسعه پایدار اقتصادی در شهرها بیان کنیم. در این تحقیق با هدف شناسایی عوامل موثر، منابع، امکانات، محدودیت ها و چالش های موجود در مشارکت مردم در توسعه پایدار شهری از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی با استفاده از جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و مشاهدات و تجارب و دیدگاه های کارشناسان و صاحب نظران توسعه شهری استفاده شده است.

واژه های کلیدی: توسعه پایدار، مشارکت عمومی، شهرنشینی



۱- مقدمه

طی صد سال اخیر، شهرها درصد زیادی از جمعیت جهان را به سوی خود جذب کرده‌اند. برای اولین بار در تاریخ تعداد کسانی که در شهرها زندگی می‌کنند، به همان اندازه افراد ساکن در بیرون از شهرها رسیده است. پیش بینی‌های سازمان ملل برآورد کرده است که تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۶۰ درصد مردم جهان در نواحی شهری زندگی خواهند کرد. با وجود اینکه شهرها تنها حدود ۲ درصد از سطح زمین را اشغال کرده‌اند، آنها بیش از نیمی از جمعیت جهان را در اختیار دارند، که با نرخ حدود ۵۵ میلیون تن در سال، در حال افزایش است.

مطرح شدن توسعه پایدار، به عنوان شعار اصلی هزاره سوم نیز ناشی از اثرات شهرها بر گستره زیست کره و ابعاد مختلف زندگی انسانی است. بدون شک بحث از پایداری و توسعه پایدار بدون توجه به شهرها و شهروندان بی‌معنی خواهد بود. شهرها به عنوان عامل اصلی ایجادکننده ناپایداری در جهان به شمار می‌روند و در واقع پایداری شهری و پایداری جهانی هر دو مفهومی واحد هستند. بر این اساس با توجه به پیچیدگی ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تأثیرگذاری آنها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی در جهت دستیابی به پایداری شهری، ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۱ سوالات مطالعه

۱. مشارکت مردم چه نقشی در توسعه پایدار شهری دارد؟
۲. برای ایفای نقش مشارکت در توسعه پایدار شهری چه موانع و محدودیت‌هایی وجود دارد؟
۳. راهکارهای پیشنهادی برای رفع موانع فوق چیست؟

۲-۱ ضرورت و اهمیت مطالعه

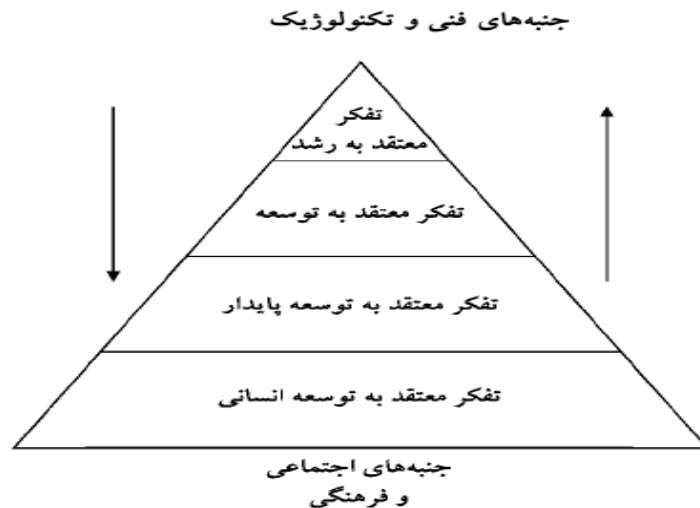
ضرورت و اهمیت مشارکت واقعی تمام افراد جامعه در گستره فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به منظور دستیابی به توسعه پایدار و همه جانبه بر کسی پوشیده نیست. اهمیت و ضرورت روی آوردن به مشارکت و توسعه مشارکتی در اندیشه‌ها و نظریه‌ها و همچنین در تلاش‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و ملی به ویژه در جهان سوم بازتاب دارد، به طوری که می‌توان آن را در حوزه مسایل شهری و مدیریت شهری مورد توجه قرار داد. ضرورت مشارکت در تمام عرصه‌های زندگی مشهود است، اما مشارکت الزامات خاص خود را دارد. اولین شرط، شناخت نگرش‌ها و تمایلات مردم است که بایستی با باور توانمندی‌های آنها همراه باشد. پس از آن ایجاد بستر و شرایط مناسب در عرصه‌های مختلف است تا با تجربه و آزمون آن بتوان به طور موثر در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت کرد. این مساله از یک سوی نیازمند برنامه‌ریزی برای طراحی الگوها و ایجاد انواع تشکل‌هاست و از سوی دیگر نیازمند شناسایی ظرفیت‌های قابل واگذاری برای مشارکت در شهرداری است. آنچه مطرح شد ضرورت مطالعه در این حوزه را آشکار می‌کند. به این معنا که بدون انجام بررسی‌های متعدد نمی‌توان به شناخت نگرش‌ها، رفتارها و الزامات مشارکت اجتماعی در جامعه و به ویژه امور شهری دست یافت.

۲- مبانی نظری

۱-۲ توسعه پایدار شهری

توسعه پایدار یک مفهوم قابل بحث با دامنه گسترده‌ای از معانی است. در یک سطح انتزاعی و ذهنی، پایداری با حفاظت و یا بهبود سیستم‌های یکپارچه طبیعی، که در کل زندگی در روی زمین را شامل می‌شود، ارتباط دارد. نقطه مرکزی و کانون این سیستم‌ها و پایداریشان جمعیت انسانی است، به دلیل این که سلطه انسانها و فعالیت‌هایشان است که به طور قابل ملاحظه‌ای

محیط جهانی را متأثر کرده است. ظرفیت زمین برای حمایت انسانها به وسیله محدودیتهای طبیعی و به وسیله انتخابهای انسان در ارتباط با اقتصاد، محیط و فرهنگ (شامل ارزشها و سیاستها) و جمعیت مشخص می‌شود. بنابراین ظرفیت قابل تحمل^۲ انسانی زمین متغیر، پویا و نامطمئن است^۳.
به طور خلاصه فرآیند توسعه و ره یافت های نظری آن را می‌توان به صورت نمودار زیر طبقه بندی کرد.



در یک سیستم پویا مانند جامعه بشری، پایداری اساساً به معنی ثبات در طول زمان است. در نتیجه، این مفهوم چیزی نیست که بتوان آنرا به راحتی اندازه گرفت و سنجید، چراکه یک کیفیت غیر ثابت است، نه یک نقطه ثابت^۴.
شهر پایدار^۵ به شهری اطلاق می‌گردد که به دلیل استفاده اقتصادی از منابع، اجتناب از تولید بیش از حد ضایعات، و بازیافت آن ضایعات در حد امکان و پذیرش سیاست های مفید در بلندمدت، قادر به ادامه حیات خود باشد^۶.
الگوی شهر پایدار می‌تواند در شکلهای مختلف و بی‌شماری بسته به تاریخ منطقه، فرهنگ، پایه اقتصادی، اقلیم و محیط و سیاستها نمود پیدا کند. اصولاً پایداری به عنوان هسته اصلی راهکارهای توسعه شهری بایستی بر روی اهداف انسانی تأکید نماید.

برای اینکه بتوان توسعه را پایدار نامید، باید دارای چهار مشخصه باشد که عبارت‌اند از:

الف - بهره‌وری: در واقع یک معادله پویاست، بین سیستم طبیعی و سیستم‌های اجتماعی اقتصادی که تولید غذا و دیگر کالاها را برای مردم تضمین می‌کند، بدون اینکه برای سیستم ضرری داشته باشد. بهره‌وری ظرفیت جامعه برای استفاده یا تغییر شکل سیستم‌های طبیعی در تولید غذا و کالا با بازده بهینه را می‌سنجد؛
ب - عدالت: یعنی ظرفیت جامعه در توزیع عادلانه فرصتها و تهدیدهایی که ناشی از کاربرد یا تغییر سیستم‌های طبیعی پیرامون هستند، مانند توزیع آنچه که از فرایند توسعه حاصل می‌شود. این اصطلاح در مورد توزیع ثروت در بین مردم به کار می‌رود؛

ج - انعطاف پذیری: به ظرفیت جامعه در واکنش به فشارهای طبیعی یا تحمیلی یا ضربه های ناگهانی گفته می‌شود. انعطاف پذیری یعنی قابلیت سیستم برای ترمیم یا نگهداری سطح بهره‌وری در بینظمی‌های کوتاه یا طولانی مدت؛

² - Carrying capacity

³ - Cohen(1995)

^۴ - مولدان و بیلهارز، ص ۸۴ (۱۳۸۱)

⁵ - Sustainable City

^۶ -ملکی(۱۳۸۲)



د - ثبات: یعنی ظرفیت جامعه در ادامه استفاده یا تغییر فرایند سیستم‌های طبیعی بدون دگرگونی شدید.^۷ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، اصول زیر را به عنوان ویژگی‌های ضروری یک شهر پایدار عنوان می‌کند:

۱. افزایش فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، به گونه‌ای که ساکنان شهری را پوشش دهد؛
۲. کاهش سهم انرژی در رشد شهری؛
۳. استفاده بهینه در مصرف آب، زمین و سایر منابعی که مورد نیاز چنین رشد شهری است؛
۴. کمینه کردن میزان تولید زباله و فاضلاب و بیشینه کردن بازیافت از پسماندها؛
۵. ایجاد سیستم‌های مدیریت با قدرت و کارایی کافی جهت نیل به اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی؛
۶. سوق دادن فناوری‌های مورد استفاده در شهر به سمت اهداف توسعه پایدار؛
۷. تقویت توان مناطق مختلف شهری، در راستای جلوگیری یا پاسخ گویی به تهدیدات و اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، که در نتیجه عوامل طبیعی یا انسانی به وجود می‌آیند، همچنین انعطاف‌پذیری در روبرویی با اختلالات غیر منتظره در سیستم شهر. در این ارتباط شهر پایدار شهری است که در آن بهبود در عدالت اجتماعی، تنوع و امکان زندگی با کیفیت مطلوب تحقق یابد.^۸

نگرش توسعه پایدار بر این اندیشه است که فناوری نمی‌تواند هرگونه کاهش منابع طبیعی را جبران سازد و سرمایه طبیعی مکمل سرمایه انسان ساخت است و در این راستا سازمان ملل از مبانی و دیدگاه مفهومی توسعه پایدار حمایت می‌کند و راه دستیابی به توسعه پایدار را وجود بسترهای فرهنگی مناسب می‌داند که با آموزش و آگاهی دادن به مردم می‌توان به آن دست یافت.^۹

بنابراین یک الگوی توسعه پایدار شهری باید قابلیت سازگاری و انطباق را در زمان تغییرات اجتماعی و اقتصادی و ارزشهای فرهنگی جامعه داشته باشد. با وجود اینکه جمعیت به عنوان مؤلفه اصلی در پایداری مطرح است، باید چگونگی تأثیرگذاری مولف‌های جمعیت و عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی، که شهر را به سیستمی یکپارچه تبدیل می‌کند، مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۲ مبانی و مفهوم مشارکت

یکی از ارکان مهم تجدید حیات شهری مشارکت است. مشارکت یکی از ارکان اساسی برای توسعه پایدار شهری می‌باشد. مشارکت عبارت است از حساس سازی مردم و در نهایت افزایش ظرفیت و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه ها بر اساس تلاش سازمان یافته.^{۱۰}

اساسی ترین خط مشی که در رسیدن به پایداری محیطی اتخاذ می شود، مشارکت و همت و تلاش کسانی است که از محیط بهره می برند. به عبارت دیگر حضور و مشارکت مردم در دراز مدت خواهد توانست محیطی پایدار را نتیجه دهد. همین طور می توان امیدوار بود اصلاح، حفظ و نگهداری محیط با تکیه بر نیروی مردمی همواره به صورت یک چرخه تداوم یابد و روز به روز با قوت بیشتری ادامه یابد.^{۱۱}

^۷ - مولدان و بیلهارز، ص ۳۸۷ (۱۳۸۱)

^۸ - عزیزی، ص ۲۲ (۱۳۸۰)

^۹ - کیانی ص ۵ (۱۳۸۵)

^{۱۰} - عسکری زاده (۱۳۸۸)

^{۱۱} - باغبانی و گنجی، (1384)



میل، اراده و اختیار مشارکت کنندگان در جریان تعامل هدفمند از ضروریات مشارکت است. مشارکت از متن جامعه نیرو می‌گیرد و در فرایند اجتماعی تبلور می‌یابد. امر مشارکت با تحولات اجتماعی سازگار می‌شود و با رویکرد ها و نگرش های هر جامعه نیاز های و نهادهای آن انطباق می‌یابد.

برخی صاحب نظران مدیریت در تعریف مشارکت گفته اند که "مشارکت در گیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را برمی انگیزد تا برای دست یابی به هدف های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند.

یکی از ابعاد مشارکت، مشارکت شهری می باشد. مشارکت شهری را می توان به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه و ارادی سازمان یافته و مؤثر افراد، گروه ها و سازمان های شهری در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی شهری دانست.^{۱۲}

از این رو مشارکت وسیله‌ای می‌باشد برای تبدیل یک شهرنشین بی تفاوت به یک شهروند، یعنی تبدیل شهرنشین به انسانی که با محیط خود رابطه ذهنی عاطفی داشته، مسؤولیت بهسازی محیط خود را در یک همیاری مستمر با دیگران بدیهی بپندارد.^{۱۳}

۲-۳ مشارکت عمومی^{۱۴} و ضرورت حضور آن در تهیه طرحهای توسعه شهری

گرچه درباره اهمیت مشارکت برای نیل به توزیع مجدد مطلوب منافع توسعه، اتفاق نظر وجود دارد، ولی در زمینه ماهیت و محتوای فرآیند مشارکت، وحدت نظر کمتری به چشم می‌خورد. یکی از بارزترین مشکلات متونی که مشارکت را تشریح می‌کنند، وسعت دامنه عباراتی است که در این زمینه ارائه می‌شود. برخی از این عبارات، کمی فراتر از درک عامه است به این معنا که مشارکت با روشهای فرضاً خنثی و یا اصطلاحاتی غیرواقعی توضیح داده می‌شود، طوری که معنی خود را از دست می‌دهد. در توضیحات دیگر، اصطلاحات مهمتری همچون "خودیاری"، "خودتکایی"، "دخالت جمعی"، "تعاون"، "عدم تمرکز" و "خودمختاری محلی" بر کلی گویی‌ها افزوده می‌شود.^{۱۵}

یکی از کاملترین تعاریف مشارکت توسط آبهوف و کوهن بیان شده است. اهمیت این تعریف به گونه‌ای است که از آن به عنوان یک تعریف استاندارد نام می‌برند و امروزه در غالب منابع به آن استناد می‌کنند. آبهوف و کوهن بیش از هر چیز به دخالت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری تاکید دارند و معتقدند «مشارکت یعنی شرکت افراد در تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و تقسیم منافع حاصل از یک پروژه»^{۱۶}

در بیان جایگاه حضور افراد در هر طرح و پروژه‌های باید مشخص شود که مشارکت چیست، تا چه حدی مجاز است، و تا چه میزان می‌تواند موثر باشد. در این بین برای تعریف سطوح آن از نردبان مشارکت شری آرنشترین^{۱۷} (شکل) استفاده می‌شود که یکی از معروفترین و در عین حال ساده ترین تعاریف از میزان مشارکت افراد را نشان می‌دهد.

۱۲ - اکبر پور، (۱۳۸۷)

۱۳ - پاکزاد، ۱۳۸۲

۱۴- Public Participation

۱۵ - اوکلی و مارسدن (۱۳۷۰)

۱۶ - منظمی تبار (۱۳۸۵)

۱۷- Sherry Arnstein



قدرت شهروندان	}	Citizen control	۸) اختیار شهروندان
		Delegated power	۷) قدرت تفویض شده
		Partnership	۶) شراکت
مشارکت جزئی	}	Placation	۵) تسکین بخشیدن
		Consultation	۴) مشاوره
		Informing	۳) اطلاع رسانی
محرومیت از مشارکت	}	Therapy	۲) درمان
		Manipulation	۱) دستکاری و عوام فریبی

شکل ۱: نردبان مشارکت شری آرنشتاین (منبع: منصوریان، ۱۳۸۸)

همانطور که مشاهده می‌شود، در این تعریف سطوح مشارکت عمومی در ۸ پله این نردبان بیان می‌گردد. دو پله اول، اصلاً شکلی از مشارکت مردمی را دارا نیست و فقط جنبه‌های فریبکاری و دستکاری مردمی را در خود دارد. سطح میانی که سه پله دارد به انتقال اطلاعات و دریافت پیشنهادات می‌پردازد، اما ضمانتی بر اعمال نظرات و پیشنهادات وجود ندارد و شکل یک طرفه‌ای دارد. اما مرحله سوم که کنترل شهروندی را شامل می‌شود شامل شراکت، تفویض اختیار و کنترل شهروندی است. در این مرحله شهروندان به کار مسئولین شهری نظارت و مدیریت دارند. نکته مهم این است که ایجاد مشارکت شهروندی به صورت پله‌ای و سلسله‌مراتبی است و بودن در هر مرحله دلیلی بر حرکت رو به رشد پله‌های مشارکتی است. بدین ترتیب بسته به اینکه ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... افرادی که حق مشارکت دارند به چه صورت می‌باشد و از طرفی سیاستهای برنامه‌ریزان و مدیران تا چه حدی امکان حضور افراد را مجاز می‌داند، مشارکت می‌تواند در قالب این ۸ رده صورت پذیرد.

۴- نقدی کوتاه بر روند برنامه ریزی شهری در ایران

مجموعه مطالعات و بررسی‌ها در زمینه فرآیند متداول شهرسازی جهان در قالب طرح‌های جامع و تفصیلی، نشان می‌دهد که امروزه این شیوه از شهرسازی به رغم برخی از دستاوردهای مثبت، کارایی خود را از دست داده و با تنگناهای نظری و عملی فراوان روبرو است.^{۱۸} ناکارآمدی و شکست این طرح‌ها در کشورهای جهان سوم به علت تفاوت میان شهرهای در حال توسعه با شهرهای جوامع صنعتی از یک طرف و عدم وجود طرح و برنامه بومی مطابق با ساختار این کشورها از طرف دیگر، نمود بیشتری داشته است.^{۱۹} در ایران نیز مطالعات متعددی از جمله "ارزیابی طرح‌های جامع شهری" ناکارآمدی این طرح‌ها را به وضوح نشان داده است.^{۲۰}

آنچه در این میان مورد اتفاق است، ناکامی نگرشهای کلان مقیاس و صرفاً کالبدی شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری در حل مشکلات نهادی شهرهاست، اما آنچه بدیهی می‌نماید حل این معضلات نیازمند نگاهی خردنگر و کوچک مقیاس و توجه به ظرفیت‌ها، منابع و نگرشها و سرمایه‌های مردمی است تا از این طریق با بازنگری ضعف‌ها، توانایی‌ها، امکانات و محدودیت‌های موجود راهکاری مناسب جهت برون‌شدن از این معضل ارائه شود.

¹⁸ -Gugler,Josef(1997)

¹⁹ -Potter,R.B & S.Lloyd,Evans(1998)

^{۲۰} -مهندسين مشاور زیستنا،صص ۵۶-۷۲ (۱۳۷۲)



توجه به اثرگذاری طرح‌های شهری بر شهر و شهروندان و ناکامی در حل مشکلات فزاینده زندگی شهری، لزوم تغییر در چابوب نظری و فرآیند طرح‌های کنونی به ویژه با مطالعه شهر به عنوان سیستمی پویا و هم‌نگری شهر با فضاهای فرادست آن، استفاده از مشارکت شهروندان، تکیه بر هم‌کنش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی شهر و در نهایت پایبندی به توسعه اجتماعات محلی و حکمروایی خوب اجتناب ناپذیر می‌باشد. در این راستا نظریه‌ها و پارادایم‌های جدیدی در کشورهای پیشرفته و به تبع آن به سراسر جهان مطرح شده است که با محوریت برنامه ریزی راهبردی، با توجه به غنای مفهومی در ادبیات برنامه ریزی شهری مورد استفاده قرار گرفته است.

۴-۱ استفاده از رهیافتی نو و تعریف راهبرد توسعه شهر

ساکنان و مدیران شهرها به ویژه در کشورهای در حال توسعه به طور روزافزون واقف شده اند که نیازمند ارتقاء کیفیت زندگی برای تمامی ساکنین شهر هستند لیکن طرح‌های کنونی به آن نایل نشده اند. تجارب کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که تلاش‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی دولت محلی اگر توسط یک فرآیند استراتژیک شامل عناصر زیر هدایت گردد، موفق تر خواهد بود:

۱. تحلیل نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای تأثیرگذار بر شهر
۲. توجه به عقیده اکثریت درباره اهداف، اولویت‌ها و عملیات
۳. تشکیل ائتلاف‌های سازمانی/نهادی برای اجرای عملیات و برنامه‌های ویژه جهت دستیابی به نتایج پایدار.

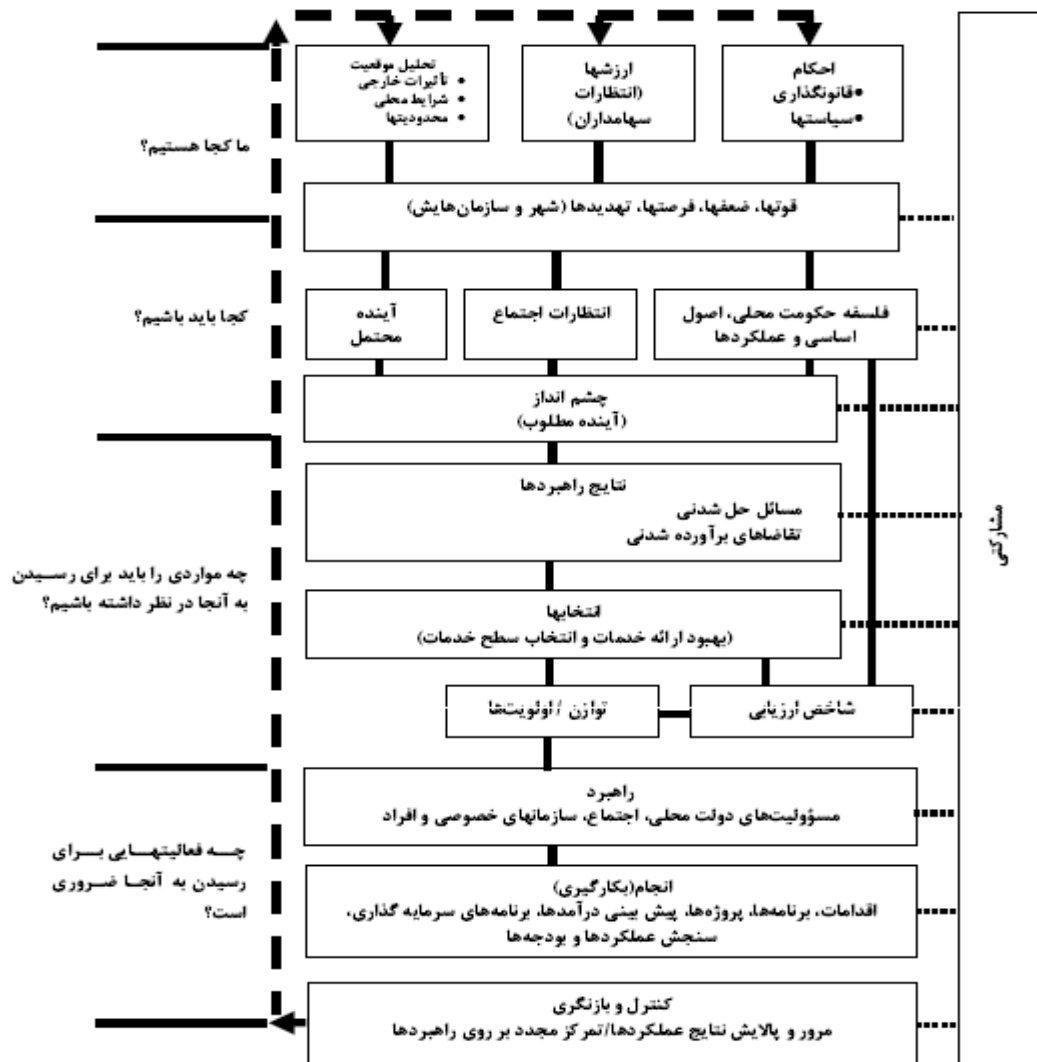
نمودار ۱: فرآیند برنامه ریزی راهبرد توسعه شهر (CDS)

کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار

فروردین ماه ۱۳۹۳

National Conference on Architecture and Sustainable Urban Landscape

19 April 2014



منبع: World Bank Report, May2000

راهبرد توسعه شهر (CDS) را می‌توان چنین تعریف نمود: فرآیند آماده‌سازی تحقق چشم انداز بلندمدت شهر از طریق تهیه برنامه‌های عملی کوتاه و میان مدت برای توسعه پایدار شهر که بر مشارکت فراگیر شهروندان، رشد عادلانه تعادل زیست محیطی و تقویت رقابت اقتصادی شهر تأکید دارد.^{۲۱}

۵- عوامل موثر بر مشارکت مردم در انجام امور شهری

برای دستیابی به مشارکت مردمی به وجود مجموعه ای از عوامل نیاز است که به نظر موشی^{۲۲} مهم ترین آنها عبارتند از:

۱-۵ اعتقاد به مشارکت:

²¹ - City Alliance 2003, Asian Development Bank 2004

²²-Mushi



قبل از مشارکت باید اخلاق دموکراتیک در جامعه نهادینه شده و به عنوان فرآیندی پویا در جامعه واقعیت پیدا نماید. فقدان اعتقاد به مشارکت مهم ترین مشکل مشارکت در کشورهای جهان سوم است. در این کشورها قدرت در دست نخبگان سیاسی، اقتصادی و محلی است. در این صورت امکان مشارکت مردم و ایجاد دموکراسی در جامعه فراهم نبوده است. لذا اولین قدم تقسیم قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین مردم است.

برای ایجاد باور عمومی به مشارکت، باید سه اقدام صورت گیرد:

- **تقسیم عادلانه قدرت بین مردم:** بدون تقسیم عادلانه قدرت سیاسی و اجتماعی امکان مشارکت گروه های ضعیف در جامعه وجود ندارد.
- **ایجاد روحیه خود اتکایی در مردم:** فهم مشارکت فقط با تشویق به خود اتکایی و افزایش اعتماد به نفس در مردم انجام می شود. تغییر گرایشات مردم در این راستا ضرورتی حیاتی برای مشارکت و توسعه است.
- **اقدامات گروهی و تشکیل انجمن:** گروه های ضعیف جامعه به صورت فردی، خود را ناتوان در مشارکت در طرح ها می بینند، اما هنگامی که به صورت گروهی وارد عمل می شوند، تمایل بیشتری به مشارکت دارند.

۵-۲ بعد سازمانی مشارکت و وجود موسسات مشارکتی

اولین مساله بعد از ایجاد باور عمومی به مشارکت، ایجاد موسسات مشارکتی است. این موسسات یک هدف عمده دارند و آن تعامل قدرت در سطوح بالا و گسترش آن در سطوح پایین جامعه است. نقطه شروع چنین حرکتی تمرکز زدایی است که معمولاً با مخالفت هایی از طریق ساختار مدیریتی بالا دست روبه رو می شود. تاسیس سازمان های مردم نهاد و شرکت های تعاونی تحت کنترل خود مردم، عامل مهمی در گسترش مشارکت مردمی است.

۵-۳ فراهم نمودن اطلاعات کافی و ایجاد شبکه اطلاع رسانی:

بدون وجود اطلاعات فنی حتی اگر موسسات مشارکتی باشند، مشارکت اتفاق نمی افتد. دو نوع اطلاعات مورد نیاز مردم در فرآیند مشارکت به شرح زیر تقسیم بندی می شود:

- **اطلاعات فنی:** این اطلاعات شامل مهارت ها و مسایل گوناگونی است که مردم باید برای اجرای یک پروژه ویژه بدانند. اطلاعاتی که به طور عموم به مردم کمک نمایند تا محیط اطراف خود را بهتر بشناسند و ظرفیت های خود را برای حل مسایل بدانند. کارایی این اطلاعات به سطح سواد جامعه بستگی دارد.
- **اطلاعات مدیریتی:** این اطلاعات متضمن این است که مردم چگونه و چه وقت باید در پروژه ها مشارکت کنند و آنها را اجرا نمایند. اطلاعات مدیریتی شامل اطلاعاتی است که به نظارت و اجرای پروژه کمک می کند. اکثر پروژه ها به علت فقدان اطلاعات کارکردی و مدیریتی با شکست مواجه می شوند.

۵-۴ دسترسی به منابع فنی و اعتباری:

علاوه بر مواردی که به آنها اشاره شد، برای مشارکت، به نیروی انسانی و بودجه کافی نیاز است. در بسیاری از موارد مردم باید به درجاتی از توانایی مادی برسند تا بتوانند در فعالیتی مشارکت نمایند. برای سوق دادن مردم به مشارکت، عواملی چون تحرک بخشیدن به سرمایه های راکد در سطح خرد و کلان، سهولت پرداخت وام، آموزش، نظارت و راهنمایی مسوولانه و تامین اعتبارات نقش مهمی ایفا می کند. تماس دائم با مردم، استفاده از آموزش بزرگسالان در ایجاد حس مسوولیت پذیری و مشارکت تاثیر مهمی دارد:

- قبل از هر چیز به نیازهای مردم شهری توجه شود.



- اولویت‌بندی نیازها و نظر خواهی از مردم درباره اولویت‌ها.

۶- موانع و محدودیت‌های مشارکت مردم در توسعه شهری

با وجود اهمیت مشارکت مردم در توسعه شهری و تاکید برنامه‌ریزان و کارشناسان بر ضرورت به کارگیری توان مردم در این زمینه، مشارکت مردم همواره با موانع و مشکلات فراوانی روبروست که در ادامه بیان خواهد شد.

۱-۶ محدودیت‌ها و موانع مالی و اقتصادی

- مشارکت در مواردی هزینه‌بر است و نیاز به سرمایه‌گذاری از ناحیه مشارکت‌کننده دارد. ضعف توان اقتصادی بخشی از مردم، که مخاطبان اصلی هر برنامه و طرح مشارکت جویانه تلقی می‌شوند و تلاش بی‌وقفه مردم برای تامین هزینه‌های خانوار، فرصت مداخله و مشارکت آنها را در امور سلب می‌کند. در این صورت مشارکت مختص گروه‌هایی خواهد بود که از امکانات مالی مناسب برخوردارند. حال آنکه طرح‌های مشارکتی باید عامه مردم و اقشار مختلف جامعه را در محور توجه قرار دهد.
- محدودیت و کمبود منابع مالی شهرداری نیز مشارکت مردم و بخش‌های غیردولتی را در اجرای طرح‌های توسعه شهری تحت تاثیر قرار می‌دهد. زیرا ایجاد زمینه برای مشارکت مردم، موقوف به تامین بخشی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری طرح‌ها (هزینه‌های مطالعاتی و بخشی از هزینه‌های اجرایی) از سوی شهرداری‌ها است.
- هزینه سرمایه‌گذاری بالای طرح‌ها، نبود استطاعت مالی و عدم اطمینان از بازپرداخت تسهیلات بانکی برای تامین منابع سرمایه‌گذاری طرح‌ها.
- وجود هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی در امر گرفتن تسهیلات بانکی و بازپرداخت آن و هزینه‌های بوروکراسی از جمله عواملی است که مردم را به عدم مشارکت ترغیب می‌کند.

۲-۶ محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی

ورود عرصه‌های جدید فن آوری و تحولات اقتصادی و اجتماعی نوعی تحول در مناسبات اجتماعی و روابط اقتصادی پدید آورده است که اشکال سنتی مشارکت را تحت تاثیر قرار داده است و تنگناهایی را در این زمینه باعث شده است و موانع اجتماعی به شرح زیر را دامن زده اند:

- عدم آگاهی مردم نسبت به اهداف طرح‌ها و خصوصیات آن،
- عدم آشنایی مردم با وظایف مدیریت شهری،
- عدم اعتقاد به کار جمعی و گروهی،
- سنت‌گرایی و ارزش‌گذاری روی عناصر قدیمی،
- عدم اعتماد و احتیاط کاری،
- نفع طلبی شخصی،
- نبود تجربه‌های مشارکتی و داشتن تجارب منفی از مشارکت‌های مردمی در سایر طرح‌ها،
- عدم استفاده موثر از وسایل ارتباط جمعی در جهت تجهیز منابع برای اعتلای روحیه مشارکت.

۳-۶ محدودیت‌ها و موانع ساختاری و عملی شامل

- وجود نظام برنامه‌ریزی متمرکز مانع تسهیل امر مشارکت است،



- فقدان مدیریت هماهنگ شهری،
- نامناسب بودن فن آوری های نوین
- نبود ساختارهای محلی مناسب برای امور مشارکتی،
- بافت و ساختار تشکیلاتی مدیریت شهری که اجازه مشارکت را نمی دهد،
- دیوان سالاری در شهرداری ها،
- برنامه های توسعه تدوین شده در شهرداری فاقد طرح یا هدف روشن مشارکتی است و در آنها نظام برنامه ریزی و مدیریت مشارکتی به طور جدی مورد توجه قرار نمی گیرد.
- تمرکز قدرت تصمیم گیری در مرکز و عدم مشارکت فعال مجموعه عوامل شهرداری مانند کارشناسان، مجریان و...

۷- نتیجه گیری

مدیران مردمی مدام با مشکل اخذ تصمیمات مناسب و با کیفیت مطلوب در عین پاسخگو بودن به شهروندانی که این تصمیمات بر آنها اثر می گذارد مواجه هستند. بر طرف کردن این مشکل در سیاستگذاری شهری نیز مشکلات خاص خود را به وجود می آورد زیرا این موضوعات اغلب از نظر فنی پیچیده و پر ارزش هستند و منافع چندگانه ای در فضای کشمکش و بی اعتمادی آنها مطرح می شود. بر اساس مفاهیم ادبیات مدیریت شهری، مشارکت مردمی در ایجاد یک نظام مطلوب و پیشرفته مدیریت شهری و موفقیت برنامه های توسعه شهری نقش کلیدی ایفا می کند. تجربه دولت های مختلف در دنیا نشان داده است که سیستم نظارت همگانی به عنوان یک گونه بدیع نظارت و با ویژگی ها و قابلیت های خاص می تواند تا حدودی راهگشای مشکلات شهری باشد. نظارت همگانی به صورت یک فرایند مستمر (و نه مقطعی)، به معنای همراهی مستمر با سیستم و به عنوان یک سازوکار بازخوردی آگاهانه، امکان تحقق الگوی مدیریت مبتنی بر تنظیم و کنترل همگام و پیشرو سیستم را فراهم می آورد و بدین جهت به سازمان در جهت حرکت هوشمندانه به سوی مطلوبیت و اثربخشی بیشتر کمک می کند. تجربه نشان داده است که مشارکت مردمی و دریافت نظرات و پیشنهادات آنان نه تنها در زمینه های فرهنگی و اجتماعی بلکه در زمینه های مدیریت شهری نیز کاربرد خواهد داشت. از اینرو مدیران شهری در صدد یافتن راه های بهتر برای برآورده کردن الزامات قانونی در عین درگیر کردن مردم در تصمیم گیری های خود هستند.

ایجاد مشارکت موثر امری تدریجی، و تکاملی است که حالت آزمایش و خطا دارد. برنامه ریزی و افراد مورد نظر که از نتایج برنامه بهره می برند باید راه های گوناگون را بیازمایند، شیوه های غیر موثر را کنار بگذارند و راه های نوین را برگزینند. به طور کلی نوع و درجه مشارکت مردمی در برنامه ها تا حد زیادی به درجه اطمینان از چگونگی اجرای برنامه ها و دخالت مردم بستگی دارد.

در نهایت می توان نتیجه گرفت که استفاده از مشارکت شهروندان در طولانی مدت می تواند گامی موثر در اقتصاد شهری پایدار باشد. در این فرآیند قطعاً نیاز به اعتمادسازی، سرمایه گذاری های اولیه و فرهنگ سازی مابین افراد جامعه و مدیران شهری وجود دارد.

۸- پیشنهادات

- ارائه راهکار مشارکت :

۱. کمک های مالی ساکنین و شرکت نکردن در سایر امور:



این روش صرفاً مشارکت مالی را شامل می شود مثلاً می تواند در ارتباط با مغازه داران حاشیه معابر اصلی و یا اقلیت ساکنینی که از وضعیت مناسب مالی برخوردارند استفاده شود.

به احتمال زیاد این امر نمی تواند در تامین هزینه های یک طرح موثر واقع شود ولی می تواند در مباحث حفظ و نگهداری از محلات بعد از اجرای پروژه ها تاثیر به سزایی داشته باشد. بدین ترتیب از آثار ناشی از تخریب و فرسودگی بافت در اثر مرور زمان تا حد بسیار زیادی کاسته می شود.

۲. نظرخواهی از ساکنین و استفاده از مشورت آنها در طرح ها و برنامه ها:

این روش در رابطه با افرادی که میل به مشارکت ندارند همچون برخی بانوان، معلولان، اقلیتهای مذهبی و سایر صداهای خاموش و یا اشخاصی که مشارکت را امری پوچ و بی استفاده می پندارند به کار گرفته شود. نظرخواهی مداوم و مشاهده تا ثیرات آن در طرح ها و برنامه های مرتبط با محیط زندگی این افراد به آنان جرأت و اطمینان می دهد که همانند سایر افراد به مشارکت و همکاری در سطوح بالاتری بپردازد.

تأثیری که نظرخواهی از افراد در روند اقتصادی پروژه دارد بدین ترتیب است که نه تنها باعث می شود که به لحاظ اجرایی و کاربردی کیفیت پروژه افزایش یابد بلکه حس تعلق افراد را برانگیخته و سبب می شود تا در نگهداری بافت کوشا باشند چرا که نتیجه نظرات خود را مشاهده نموده و حفظ آثاری که در ساخت و طراحی آن دخیل بوده اند از اهمیت بالایی برخوردار می گردد.

۳. تشکیل گروه هایی منتخب به عنوان نمایندگان ساکنین برای برگزاری جلسات متعدد با مدیران شهری و تهیه طرح ها با همکاری اعضا:

این راهکار مناسب تحصیل کرده ها و باتجربه ها به خصوص مسنترهای ساکن بافت و تمام افرادی که حرفی برای گفتن دارند، می باشد. این سطح از مشارکت در بخش سطوح میانی جای می گیرد. با توجه به ویژگیهای جامعه آماری و اشتیاق ساکنین بومی در شرکت در فرآیند مشارکت، می تواند بهترین مقطع جذب افراد باشد. بدین ترتیب که با برگزاری جلسات مابین مدیران و نمایندگان ساکنین، نه تنها ارتباط مردمی مابین گروه های مختلف اجتماعی در بافت افزایش می یابد، بلکه می توان به لحاظ اقتصادی تا حدی موثر واقع گردد. بدین ترتیب که برگزاری جلسات می تواند با هزینه های ناچیز و در محیطی همچون مسجد درونی بافت صورت پذیرد. نمایندگان گروه های مختلف ساکنین در بافت می توانند عهده دار جمع آوری نظرات و کمک های مالی افراد زیرگروه خویش شده و نیازهای افراد را در جلسات مطرح نمایند و طرح را به سمت اجراییتر شدن سوق دهد.

از طرفی می توان بافت را به مناطق مختلف دسته بندی نمود و سپس مدیریت محلی و نظارت بر تهیه طرح هر یک از مناطق را برعهده نمایندگان ساکنین گذاشت بدین ترتیب نه تنها کیفیت طرح ها افزایش می یابد بلکه حس تعلق افراد به محیط فزونی یافته و چه بسا کمکهای مالی خویش را نیز افزایش دهند.

✓ بایستی به شهروندان اطمینان داد که به اثرات مشارکت در زندگی و آینده خود، اعتقاد داشته باشند.
✓ ایجاد شرایط محیطی که افراد بتوانند به راحتی و با آزادی و بدون هیچگونه ترس و نگرانی و ملاحظه کاری عقاید و نظریات و پیشنهادات بهسازی خود را ارایه نمایند.

✓ استفاده از مشارکت جاری و مستمر افراد در پروژه ها و طرح های توسعه .

✓ تغییر نگرش ذهنی: بیشتر شهروندان تصور ذهنی درستی از نحوه مشارکت ندارند. به گمان اغلب آنان می بایستی در تمام امور و تصمیم گیریها، ایشان دخالت و مشارکت داشته باشد، حال آن که در برخی از امور فوق العاده حساس هیچ کسی به جز مدیر نبایستی دخالتی داشته باشد.

✓ در نهایت پیشنهاد می شود برای جلب مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت شهری، گروه های همیار در سطح محله تشکیل شود. به علاوه افرادی که مدت زمان سکونت آنها در محل زیاد است بیش از سایرین آماده مشارکت هستند، لذا



پیشنهاد می شود برنامه های مدیریت مشارکتی در امور شهری با جلب مشارکت شهروندانی که از ساکنان قدیمی تر محل هستند انجام پذیرد.

✓ میتوان با در نظر گرفتن ویژگیهای یک محدوده مورد مطالعه و خصوصیات ساکنین و استفاده کنندگان از آن روشهای مناسب جذب مشارکت را به کار برد. بدین ترتیب قطعاً با اندکی سرمایه گذاری در این بخش میتوان طرحها را با هزینه های کمتر تهیه نمود.

✓ اجرایی نمودن پروژه های شهری از مواردی است که هزینه های گزافی را به دنبال داشته و به همین دلیل اغلب طرح های توسعه شهری علی رغم تهیه شدن با هزینه های گزاف، اجرایی نمی شوند. چرا که واقعیتها را در نظر نمی گیرند. استفاده از مشارکت شهروندی می تواند طراحی پروژه های قابل اجرا را به دنبال داشته باشد بدین ترتیب مالکین و افراد حاضر در شهر به صورت مشتاقانه اجازه می دهند طرح ها قابل اجرا شوند.

ایشان عقب نشینی های لازم را برای تعریض معابر انجام می دهند، به صورت داوطلبانه پروژه ها را عملی می نمایند، در نحوه ساخت ساختمانهای عمومی و فضاهای سبز محلات و شهرهای خود اظهار نظر می نمایند و به صورت کلی فضاها را پویاتر می نمایند. تمامی این موارد ناشی از آن است که افراد احساس تعلق به طرح ها را به دست می آورند و آن را همچون امروزه مشکلات ناشی از تصمیمات نادرست مدیران نمی دانند.

مراجع

۱. اکبر پور، م (۱۳۸۷) ارزیابی مشارکتی بهسازی محله سیروس تهران. مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۱
۲. اوکلی، پ. مارسدن، د (۱۳۷۰) رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی، منصور محمود نژاد، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی - وزارت جهاد سازندگی.
۳. باغبانی، م.، محمد گنجی، م (۱۳۸۴) مشارکت مردم در ساماندهی محیط کالبدی: گامی به سوی پایداری محیطی - پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه شهید بهشتی.
۱. پاکزاد، ج (۱۳۸۶) مقالاتی در باب طراحی شهری. نشر ثمین، تهران.
۴. پور جعفر، م. ر.، معروفی (۱۳۸۷). بعد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد پنهان در برنامه ریزی فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۹
۵. پیمانی، علی (۱۳۸۵). الگوهای توسعه شهری، راهبردها و برنامه های موثر در گسترش فعالیت های فیزیکی شهروندان. مجموعه مقالات اولین همایش ملی شهر و ورزش؛ تربیت بدنی شهرداری تهران
۶. حریری اکبری، محمد (۱۳۸۳) مدیریت توسعه و نهادهای مدنی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره اول، شماره ۲
۱. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲)، "طرح ارزیابی طرح های جامع شهری" مهندسین مشاور زیستنا تهران
۲. عزیزی، محمد مهدی، (۱۳۸۰)، توسعه شهری پایدار. برداشت و تحلیلی از دیدگاههای جهانی، صفا، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، سال یازدهم، شماره ۳۳، پاییز و زمستان.
۳. عسکری زاده، لیلیا (۱۳۸۸)، نقش سیستم نظارت همگانی در توسعه پایدار شهری با رویکرد حفظ محیط زیست
۴. کیبانی، مصطفی، (۱۳۸۳)، توسعه پایدار و بازسازی بم، آباد، ی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، سال چهاردهم، شماره ۴۲ شماره هفتم دوره جدید.
۵. ملکی، سعید (۱۳۸۲)، شهر پایدار و توسعه پایدار شهری، سایت مرجع مدیریت شهری www.urbanmanagement.ir شماره ۱۰۲
۶. منصوریان، ف (۱۳۸۸). مشارکت ساکنین بافت قدیم در طرح های شهری (نمونه موردی شهر گرگان) رساله دوره کارشناسی دانشگاه مازندران.

کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار

فروردین ماه ۱۳۹۳

National Conference on Architecture and Sustainable Urban Landscape

19 April 2014



۷. منظمی تبار، ج(۱۳۸۵) نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی. فصلنامه دانش انتظامی. شماره اول.
۸. مولدان، بدریچ و بیلهارز، (۱۳۸۱) سوزا، ن شاخصهای توسعه پایدار، ترجمه و تدوین نشاط حداد تهرانی و ناصر محرمزاد، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.

9. City Alliance (2004) The Urban Challenge.
10. Cohen, Barney, . "Urbanization in developing countries: Current trends, future projections, and key challenges for sustainability", *Technology in Society* xx: 2005, (1–18).England.
11. Gugler, Josef (1997) *City in the Developing World*. Oxford University Press, Oxford,
12. Mushi. Samuual (1986) institutionalization of popular participation " in: participation in world development. Paris:unesco.
13. Potter, R.B & S. Lloyd Evans (1998) *the City in the Developing Countries*.
14. World Bank (2000). *World Bank Report 2000*. Washington DC.